

تحلیل اثرگذاری جوانان و نخبگان در تمدن سازی نوین اسلامی مطابق الگوی حکمرانی اسلامی

فرضعلی سالاری سردری^۱، سید میلاد سید شمالی^۲

چکیده

اسلام به عنوان یک دین تام، فراگیر و مفصل؛ توسعه معنوی، حیثیت، منزلت و کرامت ذاتی انسان را اساس دستورات الهی خود قرار داده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به تبیین نقش و جایگاه مردم در الگوی حکمرانی اسلامی به ویژه جایگاه نخبگان و جوانان در رشد و بالندگی تمدن نوین اسلامی پرداخته است، بنابراین هدف از این پژوهش، تبیین مفهومی رویکردهای حکمرانی؛ الگوی حکمرانی اسلامی و ابعاد و حوزه‌های آن بر اساس ارزش‌ها و خواست‌های اسلام بیان شده است. این مقاله، تمدن نوین اسلامی مطابق الگوی حکمرانی شایسته اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. امروزه کمال و هدایت و توجه به توسعه نیروی انسانی در کشورهای پیشرفته دنیا از نکات بسیار اساسی است. از آنجا که سرمایه انسانی اصلی‌ترین برآیند و محصول مدل‌های توسعه منابع انسانی است. در این عصر کشورهای پیشتاز و پیشگام نقش خود را در حفظ و ارزش نهادن به نیروی انسانی جهت تولید و بهره‌جویی بیشتر قرار داده‌اند. نقش جوانان و نخبگان تصمیم‌ساز در فرآیند توسعه سرزمینی بسیار مهم می‌باشد. در پایان نیز راهکارهایی برای نیل به این هدف متعالی ارائه شده است. توجه به افزایش عبم و دانش و تولید علم، عقلانیت و تعقل‌گرایی، توجه به اخلاق و معنویت، کار، تلاش و نوآوری، مسئولیت‌پذیری، مجاهدت، تقوا مداری و قانونمندی، دور اندیشی و آینده‌نگری از ویژگی‌های آشکار جوان مسلمان انقلابی است که باید جهت نیل به این اهداف متعالی، تقویت و تثبیت گردد. حکومت اسلامی همچنین بایستی با اقتصاد فعال، پایداری سیاسی، آرامش اجتماعی، امنیت پایدار، امکان و فرصت‌سازی بروز اندیشه‌ها (ایجاد انگیزه) و به کارگیری تفکرات جدید و نیروهای جوان، جذب حداکثری نخبگان، استقرار عدالت، ایجاد رفاه و شایسته سالاری موجب شکوفایی استعداد جوانان و ایجاد شور و امید در میان آن‌ها گردیده و در سایه همت و خرد جمعی موجب عزت و عظمت تمدن نوین اسلامی گردند.

کلیدواژه‌ها: گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، حکمرانی اسلامی، جوانان، نخبگان.

^۱ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی، دانشگاه زابل، Fsalari64@gmail.com، ۰۹۱۷۹۷۳۸۵۴۲

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

Sayedshomali@gmail.com

۰۹۱۳۲۰۹۵۷۰۵

مقدمه

منزلت، ماوا و مرتبه انسان در اجتماع (جامعه)، حکومت‌ها و سازمان‌ها اهمیت خاصی دارد به طوریکه بدون انسان، جامعه و زندگی معنایی ندارد. در همه مکاتب، انسان، مهم‌ترین موضوع مورد بحث بوده و آن چیزی که موضوع انسان را در مکاتب مختلف متفاوت می‌کند، نقش و جایگاهی است که انسان در مکاتب ایفا می‌کند و نگاهی است که هر یک از مکاتب به انسان دارند. در بعضی از مکاتب مادی نگاه به انسان تک بُعدی است و غایت انسان را پایان زندگی مادی و دنیوی می‌دانند، در مکاتب الهی و دینی نهایت انسان به این دنیا ختم نمی‌شود، بلکه پایان دنیا برای انسان شروع زندگی دوباره است. در مکتب الهی، انسان و رسیدن به کمال، هدف آفرینش است. یکی از مسائل مهم در حکومت‌ها و سازمان‌ها، تعیین اهداف و دستیابی به آن است. این اهداف اگر همسو با اهداف انسانی- اخلاقی نباشد، افراد برای رسیدن به آن تلاش چندانی نخواهند کرد؛ بنابراین بایستی با دیدگاه الهی- اسلامی اهداف انسانی مشخص شود تا برای توفیق بیشتر، اهداف حکومت‌ها را با آن اهداف هم‌سو کرد.

طرح مسأله و روش‌شناسی پژوهش

یکی از اهرم‌های قدرتمند و توانمند انقلاب اسلامی در ۴۰ ساله اخیر حضور پرشور جوانان در عرصه‌های مختلف دفاعی، اجرایی و مدیریتی بوده است و به ثمر رسیدن انقلاب به دست همین جوانان بوده است.

با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی بازخوانی اندیشه‌های حکمرانی در زمینه انقلاب اسلامی یک ضرورت انکارناپذیر است. توصیه و تأکید همیشه مقام معظم رهبری هم بر استفاده از جوانان انقلابی، مؤمن و متعهد در جایگاه‌های اجرایی بوده است. به صورت کلی اثرگذاری مردم در فرآیند توسعه

تمدنی با فعالیت جوانان با رویکرد حکمرانی جوان‌گرایی و مدیریت جهادی^۳ راه خروج از بن‌بست‌ها می‌باشد و توسعه و پیشرفت جامعه با ورود جوانان به عرصه‌های اجرایی میسر می‌باشد. با جوان‌گرایی و استفاده از نیروهای جوان و فعال در عرصه‌های مختلف جامعه می‌توان شاهد حضور مؤثر، پررنگ، کارآمد و فعال مدیران جوانی بود که نقش ارزنده‌ای در توسعه، پیشرفت و بالندگی کشور خواهند داشت. انتقال مسئولیتی و مدیریتی، اعتماد نسلی و گام دوم انقلاب، حل مشکلات اقتصادی با تغییر رویکرد مدیریتی همان جوان‌گرایی در مدیریت اجرایی کشور می‌باشد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران ۵۰ درصد جمعیت کشور زیر ۳۰ سال قرار دارند، از سوی دیگر بر اساس اعلام مرکز آمار ایران سهم جمعیت جوان زیر ۳۰ سال از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۵ به ۶/۱۹ درصد کاهش می‌یابد. این آمار یعنی جای خالی حدود یک چهارم جمعیت کشور در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کاملاً مشهود است، همین جمعیت جوان اگر در معرض توانمندسازی تجربی و عملی قرار نگیرند قطعاً در آینده با چالش‌هایی مواجه خواهند شد و نمی‌توانند از فرصت‌های موجود برای رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای درخشان خود استفاده کنند و جای آن‌ها در

عرصه‌های مدیریتی خالی خواهد ماند. سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده از کشور خارج می‌شوند.

آنچه امروز موجب افتراق و امتیاز نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران از نحوه مدیریت و حکومت داری دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی بر مبنای آموزه‌های الهی- اسلامی است. تمدن‌ها نتیجه کوشش و اندیشه انسان‌ها برای حل مسائل و رفع موانع پیشرفت و فراهم کردن شرایط کمال و تعالی هرچه بیشتر انسان‌ها می‌باشد. از این رو تمدن‌سازی ارتباط تنگاتنگی با مسئله‌های بشری و آرمان‌های

^۳ jihadi management



خواست‌های اسلام بیان شده است. این مقاله تمدن نوین اسلامی مطابق الگوی حکمرانی شایسته را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

جایگاه انسان در حکومت‌مداری و مدیریت از دیدگاه اسلام

اسلام یک شریعت مبسوط و وسیع الهی است که برای هدایت و ارشاد تمام همه و در تمام زمان‌ها و تمام مکان‌ها به طور برابر و همیشگی از سوی خدا به حضرت محمد مصطفی (ص) نازل گردیده و نمی‌تواند اختصاصی به یک محدوده جغرافیایی سیاسی و سرزمینی داشته باشد. به عبارت دیگر حکومت به اصطلاح سیاسی خود با حقیقت دین مبین اسلام که وحی جاودانه الهی است تباین و تمایز دارد. در ماهیت دین اسلام، دخالت در آئین سیاسی و حکومت نهفته است. آبادانی و عمران هر سرزمین و عزت و عظمت هر ملتی در گرو تربیت جوانان فرهیخته و پاک اندیش است به این جهت اسلام برنامه‌های جامعی برای جوانان از نظر مادی، تربیتی، اخلاقی و... دارد که به گفته برخی از اندیشمندان غربی در ادیان دیگر این مسئله وجود ندارد و جایگاهی که جوانان در دین اسلام دارند در کمتر دین و مذهبی دیده می‌شود.

شاخصه‌های تمدن اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب

تشکیل امت واحده اسلامی و تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک آرمان و هدف عالی می‌توان از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در کلام و سخنان رهبران انقلاب اسلامی مشاهده نمود؛ تا جایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره اهداف تشکیل حکومت اسلامی صراحتاً از «تشکیل جامعه نمونه اسلامی» و «تشکیل امت واحده جهانی» نام برده شده است: «ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی،

انسانی دارد. برای یک تمدن، عدم توفیق در حل مسائل و بسترسازی و ریل‌گذاری برای پیشرفت بشری و شکوفایی استعدادهای او، به افول و زوال تمدن منجر خواهد شد. دنیای اسلام نیازها و چالش‌های کلانی دارد که پاسخ کلان به آن‌ها به معنا قرار گرفتن در مسیر تمدن‌سازی است. انقلاب اسلامی ایران مانند هر تحول عمیق اجتماعی در پی تحقق اهداف و آرمان‌های خاص خود بوده است.

نقش نخبگان هر کشور در عزت و استقلال آن کشور نقشی بارز است به طوری که یک نخبه می‌تواند خود به تنهایی جمعیتی را به دنبال خویش بکشاند و اگر فردی علاقمند به کشورش باشد، آن جمع را در راه کمک به کشور خویش راهنمایی کرده است و از آن‌ها برای اعتلا جامعه‌اش استفاده می‌کند. سؤالی که به ذهن هر انسان آگاهی متبادر می‌شود این است که چگونه نقش نخبگان و دولت در این راستا تحقق پیدا می‌نماید؟ متغیرهای بسیاری در این امر نقش دارند که یکی از آن‌ها، نیروی انسانی ماهر و خلاق است که ما از آن تحت عنوان نخبه یاد می‌کنیم. اهمیت وجود نخبگان در یک جامعه و نقش متقابل دولت و نخبگان در راستای مسیر حرکت آینده انقلاب اسلامی و اینکه چه لزومی دارد که برنامه‌ریزی مستمر برای جذب نخبگان و به خصوص نخبگان دانشگاهی در "گام دوم انقلاب" مورد توجه قرار گیرد (قصایان؛ گرائلی خرمائی، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به تبیین نقش و جایگاه مردم در الگوی حکمرانی اسلامی (شایسته و مطلوب) به ویژه جایگاه نخبگان و جوانان در رشد و بالندگی تمدن نوین اسلامی پرداخته است، برای جمع‌آوری اطلاعات، روش مطالعه اسناد و مدارک به کار گرفته شده است. اعتبارسنجی شاخصه‌ها نیز با عرضه آن‌ها به قرآن کریم و روایات و دیدگاه‌های اندیشمندان گذشته و معاصر انجام شده است. بنابراین هدف از این پژوهش، تبیین مفهومی رویکردهای حکمرانی (مشخصه‌های حکمرانی)؛ الگوی حکمرانی اسلامی، ابعاد و حوزه‌های آن بر اساس ارزش‌ها و



کشور ما تحمیل شد بحث کارآمدی در دو حالت خاص نظام جمهوری اسلامی و عام حکومت اسلامی، همواره دغدغه خاطر حاکمان و اندیشمندان سیاسی کشور و جهان اسلام بوده است، مسئله تشریح حقانیت و مشروعیت در هر نظام سیاسی در سایه کارآمدی آن که وابسته به ساختار حکومت می‌باشد، یکی از مهم‌ترین عوامل تشویش خاطر نظریه‌پردازان نظام سیاسی و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. اهمیت این بحث در این است که ساختار مبتنی بر مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی می‌باشند که بین آن‌ها تعامل و ارتباطی دو سویه و مستقیم وجود دارد. بحث مشروعیت دو موضوع متقابل را مورد توجه قرار می‌دهد. یکی تدارک حق حکومت برای «حاکمان» و دیگر شناسایی و پذیرش این حق از سوی «حکومت شونده‌گان» است. اولی، الزام و دومی التزام سیاسی نامیده می‌شود، که پرسش در باب چرایی آن در مقوله مشروعیت قرار می‌گیرد. مسئله مشروعیت با «حکمرانی مطلوب» رابطه مستقیم دارد. از آنجا که حوزه سیاست و مسائل مربوط به آن در حال دگرگونی و گسترش بوده، چگونگی حکومت کردن، مطابق معیارهای حکومت مطلوب بیش از پیش اهمیت یافته و در حوزه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری عمومی و علوم مرتبط با آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

در شاخص‌ها و راهبردهای مطرح شده مقام معظم رهبری در مورد پارامترهای تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه گنجایش‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان قرار داده است. محوریت احکام قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و دفاع

جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند.

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به‌عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است (امام خمینی ره، ۱۳۶۸، ج ۸، ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند» (تقریرات اردبیلی، ج ۳، بی تا: ۳۵۴).

ایجاد و بقای هر تمدنی، مبتنی بر عقلانیتی است که در فرهنگ زیربنایی آن تمدن^۴ وجود دارد و تمدن اسلامی بر مبنای عقلانیت توحیدی شکل می‌گیرد (دانش، محمدجعفر؛ ۱۳۹۹). تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) و هجرت ایشان به مدینه شکل گرفت و مسلمانان طی پنج قرن به مدد آموزه‌های قرآن، کسب علوم مختلف و جهد و تلاش آن را به اوج رساندند. در اثر کشمکش‌های عقیدتی و کلامی، ضعف حکومت و سایر عوامل این تمدن عظیم رو به افول نهاد، رهبر معظم انقلاب اسلامی نظریه جدید تمدن نوین اسلامی را به جهت مجد و الگو ساختن دوباره این تمدن مطرح نمودند (جعفری، ۱۳۹۵).

با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با در نظر گرفتن تمامی مشکلاتی که در این دوران بر



این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). بنابراین، مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به‌عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ج ۳، ۱۳۷۴: ۵۷).

مبانی نظری تمدن اسلامی

تشکیل تمدن نوین اسلامی به‌عنوان آرمان انقلاب اسلامی مستلزم شکل‌گیری فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) است. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های احکام الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱) (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ۶۴).

از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه‌های تمدن اسلامی در دیدگاه معظم‌له و سایر اندیشمندان اسلامی است. ایشان از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به‌عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).

به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته‌شده از قرآن می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند (امام خمینی ره، صحیفه ج ۱۰: ۴۴۹).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال



حرکت به سوی حیات طیبه با بهره‌مندی از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی انسان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. حیاتی که در آن خردورزی، اخلاق، معنویت، انسان دوستی و روابط اجتماعی دین‌مدار و اخلاق‌مدار حاکم باشد (خسروانی و همکاران، ۱۳۹۸). تکیه‌ی بنده روی جوان‌ها است؛ می‌بینید که غالباً دل‌بسته‌ی جوان‌ها و امیدوار به جوان‌ها هستیم برای آینده؛ منتها آن جوانی که می‌تواند پیشران حرکت عظیم کشور به سوی تمدن نوین اسلامی باشد کدام جوان است؟ چه جور جوانی است؟ بنیه‌ی معنوی اینجا معنا پیدا می‌کند؛ جوانی که با انگیزه است، با ایمان است، با خرد است، قدردان توان خویش است، اهل کار است، اهل ابتکار است، توکل به خدا دارد، اعتماد به نفس دارد (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶). مسئله‌ی رویش‌های نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱).

برپایی تمدن نوین اسلامی به‌عنوان یک غایت و هدف در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. رسیدن به این غایت و برپایی تمدن نوین اسلامی نیازمند شاخص‌هایی است که یکی از این شاخص‌های اساسی علم و فناوری است. علم هم زمینه‌ساز ایجاد تمدن است و هم به بقاء و تداوم و شکوفایی آن نیز کمک می‌کند (خسروانی و همکاران، ۱۳۹۸). در تمدن سازی نوین اسلامی آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است حرکت توأمان نخبگان و مردم جامعه اسلامی است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهبرد دست‌یابی به تمدن نوین سلامی است.

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شد.



شکل شماره ۱: ساختار و فرآیند پنج مرحله‌ای پیوسته

انقلاب اسلامی و تمدن سازی نوین اسلامی

تمدن سازی نوین اسلامی (حکمرانی اسلامی)

مراد از تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش سخت‌افزاری از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و ... و بخش نرم‌افزاری به‌عنوان حاکمیت سبک زندگی در همه مظاهر زندگی، بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری جهت شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است (خسروانی و همکاران، ۱۳۹۸). هدف غایی در برقراری تمدن نوین اسلامی تحقق رسالت دینی، فرهنگی، انسانی و اسلامی‌مان در راستای فراهم آوردن زندگانی پاکیزه‌تر و



حکمرانی و حکمرانی خوب

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی *kubernan*، به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد این اصطلاح یونانی ریشه لاتین لغت *Gubenare* در قرون وسطی بود که بر همان مفاهیم قانون‌گذاری، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت می‌کند (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۶). حکمرانی «عمل یا روش حکم راندن و همچنین اداره یا وظیفه حکم راندن است». حکم‌راندن به معنی «حکم فرمایی یا کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت» است (هداوند، ۱۳۸۴، ۵۲).

حکمرانی خوب به‌عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل است. این الگو به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آن‌ها به سوی توسعه ارائه شد. در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد. از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹) برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷). از نظر صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگه داری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که هادی فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی باشد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۵، ص ۴). حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره یک کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان موضوع کلیدی توسعه است (میدری، ۱۳۸۳، ۱۹۶).

با توجه به تعاریف مزبور، حکمرانی دارای مراحل ذیل است:
۱. فرایند انتخاب و جایگزینی دولت‌ها؛ ۲. ظرفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی؛ و ۳. احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادها حاکم است (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۶).

حکمرانی^۵ خوب مفهوم جدیدی است که با اعمال نفوذ از سوی برخی نهادهای قدرتمند بین‌المللی وارد ادبیات توسعه شد. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را طرح نمود بانک جهانی بود که در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ داشت این مفهوم را با عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو مورد تعریف قرار داد (World Bank, ۱۹۸۹).

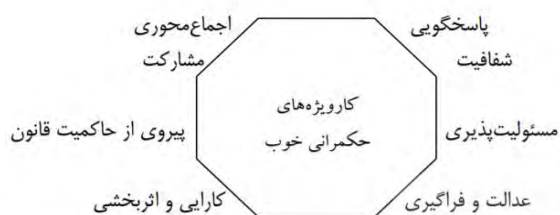
حکمرانی خوب مجموعه‌ای از عواملی چون شفافیت، حاکمیت قانون، عدالت و ارتقاء تساوی افراد در برابر قانون، مشروعیت و شایستگی، پاسخگویی و اجماع می‌باشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸، صص ۸۸-۸۷). لذا حکمرانی خوب باعث تأثیر افکار عمومی بر اخذ تصمیمات می‌شود (مقیمی و اعلائی اردکانی، ۱۳۸۸، صص ۱۱۹-۱۱۸).

از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر، که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹) برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷، ۲۵). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تعاریف برای حکمرانی خوب عمدتاً، یا به شاخص‌ها و ویژگی‌هایی مانند پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت اشاره دارد و یا به آثار مترتب بر این شاخص‌ها، مانند توسعه، امنیت، رفع فقر و ثبات اقتصادی، اما به عناصر و

^۵ .governorship



حکمرانی خوب



شکل شماره ۲: ساختار و کارکرد حکمرانی خوب (زهیری، ۱۳۹۳، ۹۶).

حکمرانی خوب ایده‌ای است که به دنبال ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه مطرح شد. در واقع، این ایده به دنبال آن است که دولت‌ها و به‌طور کلی ساختار اداری و سیاسی را به سمتی هدایت کند که کمترین فساد و آسیب‌های درونی - که معمولاً باعث تضعیف دستگاه‌های مدیریتی و سیاسی می‌شود - بروز کند. این ایده با سازوکارهایی همچون پاسخگویی بیشتر در بدنه دولت، قانون محوری، عدالت‌جویی، مشارکت‌جویی، کارایی و اثربخشی و... که به‌عنوان یک نگرش جدید مدیریتی مطرح شده است (مرشدزاده، ۱۳۹۶، ۱۲۵).

نظام‌های سیاسی، در برنامه‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری خود همواره نیازمند نظارت، کنترل و بازنگری در عملکردهای خویش‌اند. برای اینکه یک سیستم سیاسی بتواند وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهد و دچار بحران، فساد، ناکارآمدی و... نشود، از یکسو نیازمند بهره‌گیری از

مؤلفه‌های حکمرانی خوب مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که بسیار مهم هستند، نپرداخته است. با توجه به تعاریف مزبور و تعاریف مشابه دیگر، حکمرانی خوب را می‌توان به این صورت تعریف نمود: نهادها (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی)، فرایندها، و روش‌هایی که مشخص می‌سازد: تصمیم‌ها چگونه گرفته شوند؟ قدرت چگونه اعمال شود؟ و شهروندان چگونه نظریات و خواسته‌های خود را بیان دارند؟ (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

ساختار اجتماعی الگوی حکمرانی خوب بدین گونه است که با جهانی شدن عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ظرفیت‌های ویژه‌ای در حوزه‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی نیاز است که الگوی حکمرانی خوب با مشارکت نهادها حکومتی و بخش‌های خارج از آن در این جهت مطرح می‌شود. حکمرانی خوب در حقیقت دارای دو بخش است که در بخش اول حکمرانی خوب مشارکت بین سه رکن اصلی در جامعه یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی نشان می‌دهد. ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یاد شده زمینه تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد.



باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲).

برای رسیدن دنیای اسلام به پیشرفت، بیشترین مسئولیت بیش از حکومت‌ها بر عهده دانشگاهیان، عالمان و حوزه‌های علمیه و نخبگان است و این نخبگان، اندیشمندان و دانشجویان هستند که می‌توانند موتور پیشرفت دنیای اسلام باشند و نظامات علمی و آموزشی و تربیتی نیز باید متحول بشود و اهداف بلندتری را تعقیب کند و نسل‌های توانمندتری را برای مسلمانان تربیت کند. تمدن‌سازی نوین اسلامی، مرجعیت علمی، شکستن مرزهای دانش، مسئولیت‌پذیری و اخلاق-مندی در حکمرانی اسلامی مبنای برای تمدن‌سازی بر مبنای جوانان و نخبگان می‌باشد.

روش‌ها و ابزارهای نوین برای بهبود کیفیت خویش است و از سوی دیگر باید با مقایسه آن با سیستم‌هایی در عرض خود، میزان توانمندی آن را سنجید. نظریه یا الگوی حکمرانی، از جمله ابزارهایی است که برای بهبود بخشیدن به عملکرد سیستم‌های مدیریتی و سیاسی در نظر گرفته شده است. نظریه ولایت فقیه، نظری‌های کلی است که بر ولایت داشتن فقیه تأکید دارد. برای تقویت و تکمیل این نظریه سیاسی، می‌توان از الگوهای که در تعارض با این نظریه نباشند، بهره جست و نظام برآمده از ولایت فقیه را تقویت و تکمیل کرد (مرشدزاده، ۱۳۹۶، ۱۲۶).

نقش جوانان و نخبگان تصمیم ساز در توسعه سیاسی

«آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضای که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته

جدول شماره ۱: تقسیم بندی ارسطو از نظام‌های سیاسی بر حسب خوبی و بدی

تعداد حاکمان	نظام سیاسی خوب	نظام سیاسی بد
یک نفر	پادشاهی	تورانی
اقلیت حاکم	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت حاکم	جمهوری	دموکراسی

منبع: (طاهری، ۱۳۸۵، ۸۴).

جدول شماره ۲: مقایسه شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های اسلامی حکمرانی شایسته

نام شاخص	شاخص‌های جزء
مشارکت شهروندان	- آزادی سیاسی - پایداری سیاسی
دولت محوری	- کارایی قضایی - کارایی اداری - فساد پایین

توسعه اجتماعی	- توسعه انسانی - توزیع عادلانه
مدیریت اقتصادی	- توجه به بیرون - استقلال بانک مرکزی - برگشت سود نسبت به نرخ

منبع: (Huther and shah, ۲۰۰۰)، به نقل از: شریف زاده و قلی پور، (۱۳۸۲، ۱۰۰).

خوب، خدمات‌رسانی با کیفیت زیاد، مکانیسم پاسخگویی اثربخش و سریع، دسترسی آسان به منابع ضروری و تعهدات مدنی است که تحقق این مؤلفه‌ها در گرو بسط و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. بهره‌وری بهینه فناوری اطلاعات و ارتباطات در چهارچوب حکمروایی خوب برای تضمین تعامل اثربخش بین بازوهای متنوع دولت و محیط آن (شهروندان، جامعه مدنی، بخش خصوصی و...) است.

پیشرفت، تعالی و ترقی و یا توسعه مقصود و سرمنزل بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌گیری‌ها در سطح فردی، گروهی و ملی است. اصولاً توسعه در تمام سطوح نیازمند به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریت بهینه و مؤثر است. یکی از منازعات اصلی که در این میان مطرح می‌شود اینکه توسعه در سطح ملی از دولت یا از جامعه شروع خواهد شد. اما به نظر می‌رسد دیگر این مجادلات به پایان رسیده و دولت به تنهایی نمی‌تواند صدرات تمام امور را برعهده بگیرد.

امروزه در روند اجتماعی نیازمند به دولت با ویژگی‌های خاص و جامعه‌ای که بین اعضای آن همراهی و همکاری باشد. الگوی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن عرصه جدیدی در نوع سیاست‌گذاری، ماهیت دولت و همچنین کنش نیروهای اجتماعی خواهد گشود که در آن توسعه بر پایه سازمان‌دهی و مدیریت کیفی و کارآمد دولت و شراکت تمام نیروهای اجتماعی استوار است. بر این اساس امور اجتماعی با جهت مشخص و بر مبنای مصالح خصوصی و عمومی نهادینه می‌شود.

الگوی حکمرانی هنر سازوکار و تعامل میان نیروهای اجتماعی یعنی بازار، دولت و جامعه مدنی است. نقش و جایگاه دولت در الگوی حکمرانی خوب بسیار مهم است. در حکمرانی خوب، دولت ساخت‌آفرینی است که به جای آنکه فقط خود را فعال در همه امور تلقی کند و متصدی همه امور شود به یکی از شرکای اداره امور مبدل می‌کند، بنابراین دولت فرآیندها را هم در سطح ساختار و تشکیلات کلان و هم در جز به گونه‌ای پیاده‌سازی می‌کنند که شهروندان می‌توانند از خدمات بهتر و با کیفیت مناسب بهره‌مند شوند.

نقش دولت در شکل‌گیری زمینه‌های ساختی، نهادی و همچنین پیش‌بینی سیاست‌ها و راهبردهای کلان در الگوی حکمرانی خوب بسیار قاطع و برجسته است. لذا در جهت تحقق این موضوع کارکرد و ساختار دولت به طراحی فرآیندهایی نیازمند است که عبارت‌اند از: دولت‌ظرفیت‌ساز، دولت انطباق‌گرا، دولت رفاه‌گرا (عدالت‌محور) و دولت شهروند‌مدار- نهادگرا (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۰).

در مجموع حکمروایی خوب یعنی راهبری و مدیریت جامعه به گونه‌ای سنجیده، درست و کارآمد و در چهارچوب حاکمیت قانون، تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه همراه با پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت عمومی و راهبردهایی از این دست که در گرو تعامل درست شهروندان و نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه مدنی با دولت است. مرزهای جامعه (نظام سیاسی و اجتماعی) نفوذپذیر، متقاطع و در تعامل با یکدیگرند. بدون تعامل درست شهروندان و جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی و سیاسی با حکومت، حکمروایی خوب تحقق نمی‌یابد و سنگ بنای حکمروایی



و نهادهای مدنی معنا پیدا می‌کند و در صورت نادیده گرفتن این شاخص در یک نظام سیاسی زمینه‌های فروپاشی آن نظام فراهم می‌شود.

نقد و ارزیابی مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی به‌عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می‌فرماید: به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می‌تواند قربانی پیشرفت مادی شود (همان).

بر عکس حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته (حکومت علوی) همیشه ارزش‌های معنوی را بر مصالح مادی مقدم می‌دارد. امام علی علیه السلام در باب امامت و خلافت، فرمودند: اگر پایه‌های دین را استوار نگه دارید هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی‌رساند؛ ولی هرچه را که از دنیا به دست آورید در صورتی که دینتان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳) ایشان به فرمانداران و عمال حکومت خود می‌فرمودند: مبدا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباہ سازید (همان، خ ۱۰۶). بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد ولی به ارزش‌های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز

با توجه به مطالب فوق می‌توان در یک حالت کلی ویژگی‌ها و شاخص‌های تشخیص دهنده یک حکمرانی خوب را موارد زیر دانست:

- پاسخگویی دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی و شهروندان در برابر رفتارها و تصمیمات خود به عبارتی پذیرش مسئولیت اقدامات از سوی فعالان اجتماعی و سیاسی در یک نظام سیاسی به پویایی آن نظام می‌انجامد و عکس آن تضعیف‌کننده نظام سیاسی خواهد بود؛

- مشارکت سیاسی، اجتماعی آزاد و برابر برای همه گروه‌های سیاسی، اجتماعی و انجمن‌های مدنی و همچنین شهروندان. در واقع این امر پلی برای تعامل جامعه مدنی و دولت است و اگر این امر به صورت مناسب پیش رود پایه‌ای برای مشروعیت نظام سیاسی حاکم به شمار می‌رود و تضمین‌کننده سلامت کارکرد نظام سیاسی است؛

سه شاخص حاکمیت قانون، حق اظهار نظر و پاسخگویی و اثربخشی دولت که سه شاخص مشارکت سیاسی، ثبات سیاسی و فساد سیاسی را شکل می‌دهد.

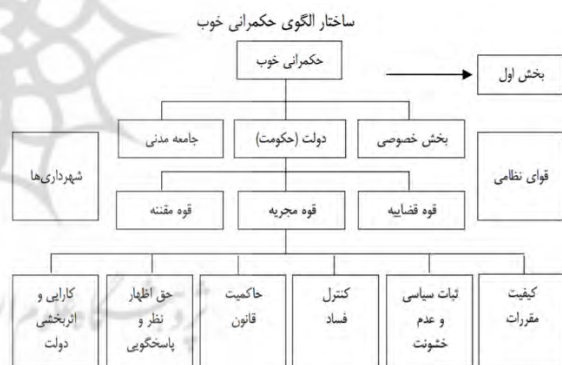
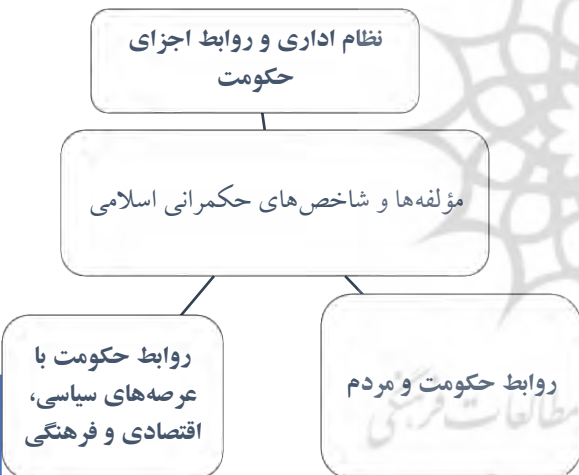
اولین مؤلفه‌ی تعیین‌کننده در ثبات سیاسی، نقش مردم در یک سیستم و نظام سیاسی است. یعنی اگر مردم از یک نظام سیاسی پشتیبانی و حمایت کرده و آن را با همان مؤلفه‌ها و ارزش‌ها استمرار بخشند، آن نظام در علوم سیاسی از ثبات سیاسی برخوردار خواهد بود. به طوری که عامل مردم را از مهم‌ترین عوامل ثبات سیاسی قلمداد می‌کنند. بنابراین می‌توان ثبات سیاسی را به مشروعیت حکومت از طرف جامعه ارتباط داد. در خصوص شاخص فساد سیاسی نیز باید گفت که در نظامی که فساد سیاسی رخ دهد، میان دولت و ملت (جامعه)، شکاف ایجاد می‌شود که بی‌شک در مشروعیت و قوام حکومت ایجاد اختلال می‌کند در نهایت در خصوص اهمیت شاخص مشارکت سیاسی باید گفت که یک نظام سیاسی و دوام و بقای آن با مشارکت افراد، گروه‌ها



شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و دیگر مجاهدان راه حق، می‌پیماید. مهم‌ترین منظومه و دغدغه رهبر معظم انقلاب در گام دوم انقلاب بسترسازی برای شکل‌گیری و احیای تمدن نوین اسلامی است و این امر تنها با نقش‌آفرینی جوانان و نخبگان دانشگاهی، با تکیه بر باورها و گفتمان مقاومت و پایداری محقق خواهد شد.

الگوی حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی و متکی بر مطلوبیت‌ها و خواست‌های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای **نظریه مردم سالاری دینی** طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل «**حکمرانی خوب**» محسوب می‌شود و می‌تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد.

هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش‌های معنوی، خسارت‌های دنیوی فراوانی بر جای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدید مواجه می‌کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۰، ص ۴۸-۵۶). مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی اسلامی) بر حکمرانی خوب می‌فرماید: اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند. ایشان می‌فرماید: در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷).



شکل شماره ۳: ساختار حکمرانی خوب (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۰).

شکل شماره ۴: مؤلفه‌ها، اصول و شاخص‌های حکمرانی اسلامی

از آن‌جا که رشد و کمال و سعادت در دیدگاه‌های اعتقادی نظام‌های سیاسی یکسان نیست؛ برخی آن را به رشد و تعالی از طریق ارزش‌های الهی و برخی دیگر به بهره‌برداری از امکانات مادی دنیا تعریف می‌کنند. با این پیش‌فرض می‌توان معنای عامی را برای حکمرانی و سیاست در نظر گرفت و سپس بر اساس دیدگاه‌های اعتقادی نظام‌های سیاسی، آن را به صورت خاص معنا کرد. حکمرانی در معنای عام خود، تدبیر امور جامعه

الگوی عملیاتی حکمرانی اسلامی در ساختار نظام جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی بیش از چهار سال است با پیروی از مکتب سرخ حسینی و نهضت عاشورایی حضرت سیدالشهداء (ع) مسیر پیشرفت و تعالی را با هدایت‌های بی‌بدیل رهبر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌های رزمندگان اسلام و سردارانی چون



گفت در صورت وجود فساد سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی و مشارکت سیاسی منفی حکمرانی بد در نظام سیاسی وجود دارد و این عاملی در جهت کاهش مشروعیت نظام و تضعیف جایگاه آن است (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۰).
پیشرفت اقتصادی با تأکید بر عدالت؛ پیشرفت اجتماعی و تحقق کرامت انسانی؛ پیشرفت سیاسی (بهترین نمونه نظام والیی و نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است)؛ پیشرفت در حفاظت منابع و محیط زیست؛ پیشرفت علمی؛ پیشرفت فرهنگی؛ پیشرفت اخلاقی؛ پیشرفت قضایی و پیشرفت امنیتی.



شکل شماره ۵: عرضه الگوهای اسلامی ایرانی پیشرفت

بر اساس قانون مشخص به رهبری افرادی مشخص برای رسیدن به هدفی مشخص است. با توجه به این تعریف عام، اگر محتوای قانون، الهی باشد یا بشری؛ قانون‌گذار، خدا باشد یا انسان؛ هدف، قرب الهی باشد یا سود و لذت؛ تعریف حکمرانی متفاوت خواهد شد و لذا چندین نوع حکمرانی خواهیم داشت که یکی از آن‌ها حکمرانی در اصطلاح خاص اسلامی است؛ حکمرانی در اصطلاح اسلامی به معنای مدیریت صحیح و تدبیر امور جامعه برای اصلاح دنیا و آخرت مردم است که بر اساس قانون الهی و حاکمان مآذون از طرف خدا برای رسیدن به کمال نهایی انسان اعمال می‌شود. در این تعریف، سیاست با ولایت و امامت مترادف می‌باشد.

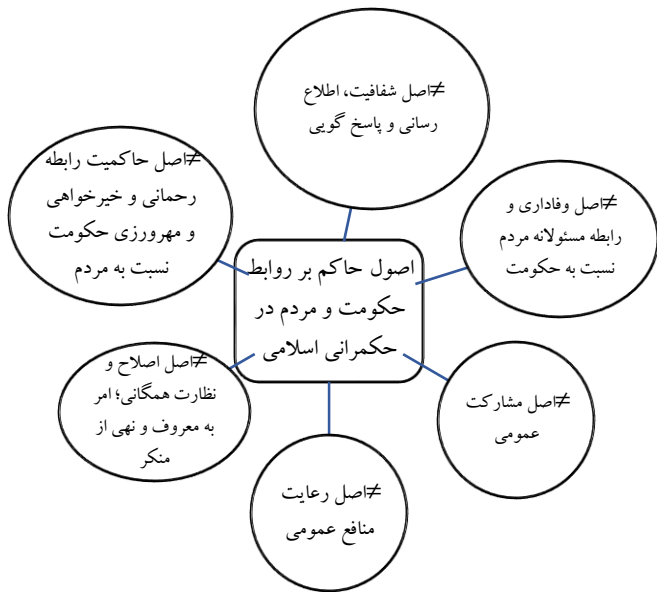
در تعریف حکمرانی شایسته اسلامی، بر خلاف نگرش غربی و غیراسلامی آن، بر عنصر هدایت، اصلاح و ارشاد جامعه در سایه هدایت‌های الهی تأکید می‌شود. لذا دانشمندان اسلامی در تعریف سیاست گفته‌اند: سیاست، یعنی اصلاح و تربیت مردم از طریق ارشاد و هدایت کردن آن‌ها به سوی راهی که باعث سعادت دنیا و آخرت آن‌ها می‌گردد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰، خلاصه مباحث).

الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

در مباحث پیشین به تعریف مفهوم نظریه حکمرانی خوب و تمایزات آن با مفاهیم حاکمیت و حکومت؛ پیشینه تاریخی شکل‌گیری آن و معرفی شاخص‌های حکمرانی و سپس به نقد و مقایسه تطبیقی حکمرانی پرداخته شد. چنانچه گفته شد نظریه حکمرانی خوب دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تا حدودی حقوقی است. حکمرانی خوب به‌عنوان یک فرآیند، روندی در جهت توسعه سیاسی، اجتماعی از طریق تعامل و هماهنگی و همکاری میان دو نهاد دولت و جامعه مدنی است. در این راستا همکاری و هماهنگی این دو نهاد می‌تواند باعث رشد مشارکت سیاسی مثبت در جهت تقویت نظام سیاسی، کاهش فساد و کنترل آن و ایجاد ثبات سیاسی در نظام سیاسی شود. بر طبق این تعریف می‌توان

مبانی و شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه دینی و اسلامی

نظریه مردم‌سالاری دینی و حکمرانی اسلامی
منظور از «حکمرانی اسلامی» شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط‌مشی‌ها، برنامه ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌گردد. در این چارچوب، **تشکیلات**



شکل شماره ۶: اصول حاکم بر روابط حکومت و مردم در حکمرانی اسلامی

اداری که با نرم افزار حکمرانی اسلامی به ساماندهی

امور عمومی مردم می پردازد.

در حکمرانی اسلامی؛ مردم سالاری دینی به عنوان اصل اساسی برای طراحی الگوی مذکور مورد نظر می باشد. بر اساس تعریف فوق، هدف حکمرانی اسلامی را می توان زمینه سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخوردارگی از زندگی با نشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست. بر این مبنا، از آنجا که مفاهیم و آموزه های اسلامی با فطرت انسانی هماهنگی دارد، این الگو می تواند برای ادیان و مذاهب دیگر نیز کارآیی داشته باشد. بنابراین، الگوی حکمرانی اسلامی به عنوان **بدیل بر تو مدل حکمرانی خوب** می باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰، خلاصه مباحث).

مؤلفه ها و اصول (معیار) حکمرانی اسلامی

اهداف، اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی را می توان در سه مؤلفه اصلی «روابط حکومت و مردم»، «روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت» تبیین نمود.
مؤلفه اول: روابط حکومت و مردم

اهداف حکمرانی اسلامی در مؤلفه روابط حکومت و مردم، حداکثر سازی مشارکت مردم و استفاده از نظرات و آرا و مشاوره های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان (جوانان) در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری و ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت ها و عملکرد حکومت به منظور ارتقای سطح عملکردی حکومت و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام می باشد.

مؤلفه دوم: روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

اهداف حکمرانی اسلامی در این مؤلفه، تنظیم روابط حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم افزایی بخش های مختلف نظام است. **اصول حاکم بر روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی** در حکمرانی اسلامی عبارت اند از:

- ≠ اصل جهان شمول در همه حوزه ها : اصل وحدت، هماهنگی و هم افزایی؛
- ≠ اصل حوزه سیاست : اصل امنیت ملی، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل هم زیستی مسالمت آمیز و مقابله عادلانه با تجاوز، اصل رسالت جهانی و حمایت از حق طلبی، اصل نفی سلطه؛



≠ **اصول حوزه اقتصاد:** اصل فقرزدایی و

توجه به محرومین، اصل تولیدگرایی و اصل

توسعه گرایی؛

≠ **اصل حوزه فرهنگ:** اصل مسئولیت

تربیتی و علمی.

مؤلفه سوم: نظام اداری و روابط اجزای حکومت

اهداف حکمرانی اسلامی در مؤلفه نظام اداری و روابط

اجزای حکومت، افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی)

عقلانیت محور نظام اداری-مدیریتی از طریق شایسته سالاری

و جابه‌جایی نخبگان است؛ که این مهم بر اساس اخلاق و

عقلانیت، مشارکت، مشورت و تخصص محوری و در

حوزه‌های سیاست‌گذاری کلان و بخشی، نظارت، اصلاح و

پالایش درونی و مبارزه با فساد و مشتری‌مداری و پاسخ‌گویی

نظام اداری صورت می‌پذیرد. **اصول** حاکم بر نظام اداری و

روابط اجزای حکومت در حکمرانی اسلامی عبارت انداز:

≠ **حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در**

حکمرانی اسلامی:

اصل شورا و مشورت؛

≠ **حوزه روابط قوا:** اصل وحدت، هماهنگی و

هم افزایی، اصل تعدیل قدرت؛ تفکیک وظایف

قوا و ارکان نظام و نظارت آن‌ها بر یکدیگر؛

≠ **حوزه نیروی انسانی:** اصل رهبری ولی فقیه

دین‌شناس، اصل شایسته سالاری، اصل ذکر؛

رشد و به‌سازی و اصل مسئولیت‌پذیری و

خدمت‌گزاری؛

≠ **حوزه نظارت و کنترل:** اصل نظارت آشکار

و پنهان، اصل نظارت مردمی، اصل برخورد و

واکنش مناسب؛

≠ **حوزه فرهنگ سازمانی:** اصل فرهنگ قانون

مداری، اصل فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی؛

≠ **حوزه منابع مالی:** اصل بهره‌وری و سلامت

مالی؛

≠ **حوزه فساد زدایی:** اصل مبارزه همه‌جانبه با

فساد، در دو بعد نظری و عملی و در ساحت‌های

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اصل سلامت،

قاطعیت و استقلال نظام قضائی (رضایی و

همکاران، ۱۳۹۰، خلاصه مباحث).

دین اسلام در بردارنده قوانین و مقرراتی و احکامی است که

برای هدایت بشر آمده است تا سعادت دنیا و آخرت او را

تضمین نماید اما همان طوری که گفته شد قانون به تنهای

نمی‌تواند این سعادت را نصیب بشر نماید بلکه در صورتی

می‌تواند کارساز واقع شود که جنبه‌ای اجرای پیدا نماید.

سازمانی که عهده‌دار اجرای قوانین است همان دولت

می‌باشد. در اسلام علاوه بر وضع قوانین برای سامان بخشیدن

به زندگی اجتماعی انسان، به جنبه اجرای آن نیز توجه

صورت گرفته و حکومت اسلامی به‌عنوان بازوی اجرای

قوانین اسلامی از ضروریات بشمار می‌رود.

حکمرانی شایسته عبارت است از: فرایند تصمیم‌گیری توسط

خداوند یا انبیا، اولیا، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور

نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت

و رستگاری اخروی. حکمرانی شایسته از بُعد هستی‌شناسی،

هستی‌حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را

تجلیات او و نشئت گرفته از او می‌داند. از بُعد معرفتی، معرفت

را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه معرفت‌های

عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بُعد انسان

شناسی، انسان را دارای دو بعدی مادی و معنوی می‌داند و به

همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است برای بعد

معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود. از بُعد روشی، روش را

منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی

می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش،

موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد

شد. به عبارت دیگر، در حکمرانی شایسته هر چند دنیا و



باید عدلیه‌اش چه جور باشد، و قضاوتش چه وضعی داشته باشد (همان).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: امروز من و شما باید اسلام را بفهمیم... یکی از شعبه‌ها و شاخه‌هایی که ما از آن طریق اسلام را می‌فهمیم و درک می‌کنیم شناخت چهره رهبران الهی از جمله امیرالمؤمنین است، ... و اسلام را از روی علی علیه‌السلام بشناسیم (حق پناه، ۱۳۷۹، ۲۶)؛ یعنی از طریق شناخت شاخص‌های حکومت علوی، شاخص‌های حکومت اسلامی را بشناسیم. همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: اگر بخواهیم یک چهره روشن مشخص را، که دارای همه ویژگی‌های حاکم اسلامی است، معرفی کنیم با توجه به وضعیت زمان و تاریخ زندگی علی علیه‌السلام، باید چهره امیرالمؤمنین را معرفی کنیم (همان)، علی بن ابی طالب علیه‌السلام تجسم حاکم الهی و اسلامی است (همان). بنابراین، شاخص‌هایی که در حکومت علوی ذکر شده، در هر حکومتی موجود باشد، حکومت شایسته اسلامی خواهد بود. اما آنچه ضرورت دارد استخراج این شاخص می‌باشد.

زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی شایسته مبتنی بر جهان بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می‌نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به‌عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند. با توجه به مبانی نظری، گاهی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در برخی شاخص‌ها - مثلاً، پاسخ‌گویی - اشتراک دارد، ولی این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت است؛ زیرا مبانی نظری آن‌ها تفاوت دارند.

در اسلام، دو حکومت یا حکمرانی شایسته در دو دوره زمانی عینیت خارجی پیدا نموده است: یکی در دوره پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله و دیگری در دوره امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. امام خمینی ره می‌فرماید: حکومت رسول‌الله و حکومت امیرالمؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آن‌ها را تعیین کرده است. آن‌ها به حکم قانون واجب‌الاطاعة هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۰۱). در این نوشتار، از باب اختصار، تنها به برخی از شاخص‌های حکومت علوی بسنده می‌شود.

امام خمینی ره می‌فرماید: برنامه حکومت را حضرت امیر علیه‌السلام معین کرده است که باید چه جور حکومت باشد.

جدول (۱): مقایسه تطبیقی رویکرد حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب

ردیف	شاخص	حکمرانی شایسته	حکمرانی خوب
۱	پاسخ‌گویی	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر و خداوند (سبحانی، ۱۳۸۲)	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و مجموعاً در برابر شهروندان

۲	قانون گرایی	پایبندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که مبتنی بر قوانین الهی است (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۵۸).	پایبندی به قوانین مصوب قوه مقننه
۳	شفافیت	آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راست گویی و صداقت بوده، و تضمین کننده رشد و کمال انسان باشد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷).	آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابلیت دسترسی برای همه
۴	مبارزه با فساد	استفاده از روش های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام (همان).	استفاده از روش های نظارتی و بازرسی
۵	کارایی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی به طور کامل	استفاده از ظرفیت های مادی به طور کامل

داشته باشد. به طوری که می توان خروجی های نخبگان را معلول مسئولیت پذیری، علاقه و دلبستگی به توسعه کشور دانست.

مفهوم شناسی تمدن نوین اسلامی و تبیین مفاهیم بنیادین مدیریت و حکمرانی در عرصه تمدنی در مقاله شرح داده شده است، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیره ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است. پس از وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی که ارکان، عناصر و ابعاد آن در قانون اساسی به طور اجمال بیان شده که البته هنوز به طور کامل و تفصیلی تحقق پیدا نکرده است، عبور از دو گام دیگر یعنی دولت اسلامی و جامعه اسلامی و تشکیل تمدن نوین اسلامی، فرآیندی پیچیده است. بر این اساس، تامل و تعمق در این مفاهیم و مراحل و تلاش برای گفتمان سازی به منظور ایجاد نهضت نرم افزاری و تولید فکر و علم به شکل طبیعی در این مجرا امری ضروری و حیاتی است.

دو نوع حکمرانی بررسی شد: الف. حکمرانی خوب که مبتنی بر ماده گرایی، دنیاگرایی و اومانیسم است. حکمرانی خوب عمدتاً از نظر شکلی، از عناصر و مؤلفه هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است. این مجموعه با هماهنگی یکدیگر، تصمیم می گیرند که قدرت در دست چه کسی باشد و چه گونه اعمال شود. حکمرانی

نتیجه گیری

بر اساس جایگاه انسان از دیدگاه اسلام و نقش انسان در سازمان و مدیریت که رشد و توسعه معنوی نیروی انسانی از اولویت های اساسی است و نگاه اسلام به انسان نگاهی همراه با کرامت و عزت است. تاکید همیشه رهبر معظم انقلاب بر استفاده از ظرفیت نخبگان و رویش های انقلابی جوانان در حوزه های مختلف توسعه سرزمینی با تدوین دو الگوی توسعه ایرانی- اسلامی و تمدن سازی نوین اسلامی بوده است. جوانان و نخبگان و سرآمدان در هر کشوری از جمله ایران زمینه ساز رشد و توسعه اند؛ به همین دلیل، نهادهای مختلف جامعه سال ها تلاش کرده اند نخبگان جوان ایرانی در کشور بمانند و در توسعه علمی کشور نقش آفرینی کنند. نقش اندیشه و جوانان در تکامل تمدن ها بدین گونه تحلیل می شود که؛ فرصت طلایی جوان بودن جمعیت کشور، در صورت استفاده از این پتانسیل جوان و ورود تفکرات نوین (توانمندی های فکری و اجرایی) به سطح کشور شاهد پیشرفت و رشد (تعالی) جامعه خواهیم بود اما استفاده از این پتانسیل نیازمند تغییر سیاست های مدیران و توجه آن ها به جوانان باشد. نخبگان با احساس مسئولیت به کشور و ملت، در عرصه کاری تلاش و فداکاری می کند چرا که بدون علاقه به آینده این نمی تواند در جامعه خود تاثیری واقعی و راهگشا



محوری است، اگرچه به ماده و معنا و دنیا و آخرت - هر دو به صورت همزمان - توجه دارد.

حکمرانی شایسته اسلامی الگوی جدید توسعه می باشد که در سرزمین جغرافیایی ایران با راهبرد ایرانی - اسلامی و تمدن سازی نوین اسلامی مبتنی بر نخبگان و جوانان در مسیر توسعه پایدار و تعالی انسان ها حرکت می کند. **حکمرانی اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی و اسلامی نحوه و شیوه** اداره، حکومت مداری، و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی (حاکمیت اسلامی: دولت + قانون) است. حکمرانی اسلامی دارای سه مولفه اصلی «روابط حکومت و مردم»، «روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت» است. در هر یک از این مولفه ها، حکمرانی اسلامی دارای اهداف، اصول و شاخص هایی است که آن را به عنوان یک الگوی کامل و قابل اجرا تبیین می نماید.

منابع و مآخذ

ابطحی، سید مصطفی؛ آرایش، حسن و سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷). بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد سیاسی سال دوم، شماره ۵.

اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵، صص ۱۰۸-۵۸.

امام خمینی (ره)، سید روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه نور، ۲۲ جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

خوب از نظر محتوا، دارای مشخصه های بسیاری است که مهم ترین آن ها عبارت است از: پاسخ گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قانون، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، مشارکت، اجتماع محوری، شفافیت، انصاف و عدالت، مسئولیت پذیری و رقابت.

ب. حکمرانی شایسته که در واقع، مصداق بارز و عینیت خارجی آن حکومت نبوی و علوی است. با توجه به اندیشه حکومتی حضرت علی علیه السلام این شیوه حکومتی بررسی شد. حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا محوری - نه انسان محوری - است و به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد مادی به صورت هماهنگ توجه دارد. همچنین تنها به موضوعات این جهانی (ماده گرایی و دنیاگرایی) توجه ندارد، بلکه به رفاه مشروع دنیایی و سعادت اخروی به صورت همزمان توجه می کند.

حکومت از دیدگاه اسلام، یک شکل و یک محتوا دارد. در اسلام، شکل حکومت به صورت تفصیلی تعیین نشده، بلکه مطابق زمان و مکان، به خود مردم واگذار شده است. اما از نظر محتوا، دارای مشخصه هایی است که اگر آن شاخصه ها موجود باشد، حکومت شایسته است و اگر نباشد از حکمرانی شایسته خبری نیست. این شاخص ها نیز به صورت کلی به وسیله خداوند، و به صورت تفصیلی توسط انبیا و اولیا از جمله حضرت علی علیه السلام بیان گردیده است که برای همگان حجیت شرعی دارد. حکمرانی شایسته دارای شاخص های بسیاری است که در این نوشتار، تنها پاسخ گویی، شفافیت، قانون محوری، مبارزه با فساد، کارایی و اثربخشی بررسی گردید. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب در برخی شاخص ها، از حیث لفظ مانند پاسخ گویی، کارایی و اثربخشی و امثال آن یکی باشند، اما مبانی فلسفی این دو نوع حکمرانی متفاوت است؛ حکمرانی خوب مبتنی بر انسان محوری، دنیاگرایی و ماده گرایی است، ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا



مدیریت عصر پیشرفت

امام خمینی (ره)، سید روح الله، (بی تا)، تقریرات فلسفه، مقرر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

امام جمعه زاده، سید جواد؛ شهرام نیا، امیرمسعود و صفریانی، روح الله (۱۳۹۵). الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۶.

بیانات مقام معظم رهبری <https://www.leader.ir/fa>
جاسبی، جواد و ندا نفری (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب برپایه نظریه سیستم های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶.

جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.

جعفری، سجاد (۱۳۹۵). رسالت جوانان در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، <https://civilica.com/doc/536615>

حسینی تاش، سید علی و واثق (۱۳۹۳). بررسی و شاخص های حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته از دیدگاه امیرالمؤمنین امام علی (ع)، نشریه اسلام و پژوهش های مدیریتی - شماره ۸.

حسینی، سیده فاطمه زهرا. (۱۳۹۸). نقش جوانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی، همایش ملی جستارهای پژوهشی با تاکید بر بیانیه گام دوم

انقلاب، گرگان، <https://civilica.com/doc/977022>

حسین زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی های اقتصادی، ص ۱۶.

حق پناه، رضا (۱۳۷۹). فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش، ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.

خسروانی، عباس، عین القضاتی، پیمان. (۱۳۹۸). نقش علم در فرایند تمدن سازی نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای (مدظله العالی). فصلنامه دانش انتظامی مرکزی (۲۶)، ۱۰۴-۸۹.

دانش، محمدجعفر، ۱۳۹۹، عقلانیت توحیدی، بنیان تمدن نوین اسلامی، کنفرانس ملی مؤلفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم

انقلاب، مشهد، <https://civilica.com/doc/1131032>
دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۹). مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵.

رضایی، حسن؛ دهقانی، روح الله و کیانپور، مهرداد (۱۳۹۰). از حکمرانی اسلامی تا دولت معیار، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، خلاصه مباحث

<https://iranthinktanks.com/product/from-islamic-governance-to-government-criterion>

رهنورد، فرج الله (۱۳۸۸). مؤلفه ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت..

زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.



مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سید ابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ص ۸۷.

مقیمی، محمد، اعلائی، مصطفی و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۸۸). دولت الکترونیک کلید حکمرانی خوب، انتشارات عترت نو.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میدری، احمد، جعفر خیر خواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱، ص ۶۹ - ۹۳.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷-۱۲۸.

نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۹). نظام سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، حقوق اساسی، شماره ۴.

یاوری سرتختی، محمدجواد و لیالی، محمدعلی (۱۳۹۴). تئوری حکومتی عصر غیبت براساس دیدگاه

شیخ مفید (ره)، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیستم، شماره چهارم، شماره ۷۸، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

زهیری، علیرضا (۱۳۹۳). نسبت سنجی بوم شناسانه الگوی حکمرانی خوب، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم شماره ۲.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). اصول سیاست در سیره عملی امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ش ۷، ۲۵ - ۴۱، ص ۱۱۷.

سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰). اهداف و آرمان های حکومت، قیسات، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۴۸ - ۵۶.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ و ۱۴، ترجمه: موسوی همدانی - سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

قصابیان، جواد و گرائلی خرمائی، فاطمه (۱۳۹۹). واکاوی نقش نخبگان در شکوه تمدن ایرانی-اسلامی (منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب)، کنفرانس ملی مؤلفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم

انقلاب، مشهد،، <https://civilica.com/doc/1131070>، مبارک، اصغر و آذریبوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶.

محدثی، جواد (۱۳۷۹). حکومت علوی از نگاه امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۷۹ - ۲۶۳.

مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳). درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.

مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب، و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه آینده پژوهی ایران سال دوم، شماره سوم.



مدیریت عصر پیشرفت

Christiane Arndt & Charles Oman (۲۰۰۸) "The Politics of Governance Ratings", Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance, p. ۱۱.

McKinley, Peter, "Globalization, Solidarity and Enabling the Governance of our Communities", ۱۹۹۹, www.mdi.co.nz.

Huther and shah (۲۰۰۰), "Applying a simple measure of good Governance", present at: Kaufmann, Daniel, (۲۰۰۳), "Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge UNDP (United Nation Development

Program me), characteristics of Good Governance, ۲۰۰۱.

UNDP, (۱۹۹۴), Good Governance - and Sustainable Human Development, available at:

World Bank, ۱۹۹۹, "Findings on Governance, Institutions and Development", p. ۳. www.Worldbank.org/wli/governance/pdf/wps
<http://mirror.undp.org/magnet/policy/chapter1.htm>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analysis of the influence of youth and elites in the new Islamic civilization according to the model of good governance

Farzali Salari Sardari^۱, Seyed Milad Seyed Shomali^۲

Abstract

Islam, as a comprehensive and complete religion, has based its spiritual instructions on the spiritual development and inherent dignity of human beings. The present study uses a descriptive-analytical method to explain the role and position of people in the model of decent governance, especially the position of elites and youth in the growth and development of modern Islamic civilization and while introducing indicators for Muslim revolutionary youth that can be exemplary for others; Governance approaches are also expressed. This article, while explaining the status and dignity of human resources, examines and analyzes practical approaches to deepen the dignity and human dignity of human resources in the new Islamic civilization according to the model of good governance. Today, the growth and development of human resources in the developed countries of the world is one of the most important points. Since human capital is the main achievement of human resource development models, today successful and leading countries have played their role in maintaining and valuing human resources for greater production and productivity. The role of young people and decision-making elites in the process of land development is very important, solutions have been provided to achieve this lofty goal. Attention to acquiring knowledge and producing knowledge, rationality and rationalism, attention to ethics and spirituality, work and effort and innovation, responsibility, struggle, piety and lawfulness, foresight and foresight are the prominent characteristics of young revolutionary Muslims that must be achieved. To these transcendent goals, be strengthened and institutionalized in them. The Islamic government must also flourish the talents of the youth and create enthusiasm and hope among the youth through dynamic economy, political stability, maximum attraction of elites, establishment of justice, welfare and meritocracy, and in the shadow of collective effort and wisdom, cause the glory of the new Islamic civilization. To turn.

Keywords: The Second Step of the Revolution, New Islamic Civilization, Good Governance, Youth, Elites.

^۱ Master of Geography and Planning, Zabul University Fsalari^{۶۴}@gmail.com

^۲ PhD student in Political Science, Islamic Azad University, Isfahan Branch

Sayedshomali@khuisf.ac.ir

Sayedshomali@gmail.com

۰۹۰۳۲۰۹۵۷۰۵